(2078) فارسمي طبيح ايس ايس سي ١١٠ کل نمبر حته دوم اور سوم: 80 حقد دوم اورسوم صفحات 2-1 برمستل ب-إن سوالات كي جوابات عليمده عدمها كي عن جواني كالي مبیا کی جاسے کی۔آپ کے جوابات صاف اور واضح مونے جاہیں۔ عندوم (كل نبر50) سوال نبرا: مندرجة بل من عن وي (10) اجزاء كتين سے جار سطرول تك محدود جوابات أردو مي وين: (10x5=50)Q.No.2. Answerany TEN of the following parts in three to four lines, in Urdu: چەكارازاحسان خداوندى عجب نيست؟ (i) سوگند کردگاریه جان کیست؟ (ii) علت غلبه محبت خداجه أو دا (iii) اگرخواهی که دولت ایرار به تورسید باید چه کارگنی؟ (iv) شخ ابوسعيد به خواجه عبدالكريم جد گفت ؟ (v) وقتي امير مجلطين بحيرة هورا كرفت مادرش جد كفت؟ (vi) دل سنگ وکوه از چیکسی می نالدو چرا؟ (vii) دوست نيك جداهميتي دارد؟ (viii) خلاصه منظومه " دوى نادان " بنويسيد؟ (ix) خواجه بدرابعه بصرى چدگفت؟ (x) مزار سلطان قطب الدين راكه احداث كرد؟ (xi) ها معما قبل براي چدي كوشد؟ (xiii) (xiv) آلودگی هوا برای انسان و جبان چه خطر دارد؟ (XV) در منظومه "از ماست كه بر ماست " عقاب (xvi) سوال نبرا: وبل كاقتامات بس كى ايك كاأردو ياآسان قارى بس رجمه كيجي: (10)الف امير سبكتگين كه بامن، شبي احوال و اسرار خويش باز مي نمود: گفت: " پيشتر از آن كه من به غزنيين أفتادم، يك روز بر نشستم نزديك نماز ديگر؛ و به صحرا رفتم يك اسپ دا شتم. سخت دونده بود. چنانکه هر صیدی که پیش من آمدی، باز نر فتی. آهوی دیدم ماده و بچه وی. اسپ رابرانگیختم. بچه ازما در جدا ماند. بگر فتمش. بر زین نهادم و باز گشتم روز نزدیک نماز شام رسیده بود. چون لختی براندام، آوازی به گوش من می آمد. باز نگریستم. مادر بچه بود که براثر من مي آمد و غريو مي كرد اسپ برانيدم به طمع آن كه وي نيز گرفتار آيد، بتا ختم ـ چون باد از پیش من برفت. پادشاهی با غلامی عجمی در کشتی نشست و غلام هر گز دریا را ندیده بود و محنت کشتی نیازموده، گریه و زاری در نهاد و لرزه بر اندامش افتاد. چندانکه ملاطفت کردند، آرام نمی گرفت و عیش ملک ازو منغض بود، چاره ندانستند. حکیمی در آن کشتی بود. ملک را گفت: "اگر فرمان دهي، من او را به طريقي خاموش گردانم." گفتر: "غایت لطف و کرم باشد." بفرمود تا غلام را به دریا انداختند. باری چند غوطه خورد. مویش سري كالمالي آوردند. بدو دست درسكان كشتى آويخت، چون بر آمد، بگوشه اى (اتعلید المه ایرسلای در بن چه حکمت بود؟" موال نبرا: مندرجه ذیل اشعار می سے یانج کار جمدوتشری أردد یا آسان فاری میں سیجے: (10)واعظا حديث سابيه طوني فرو گذار زگفتار (i) (ii) کا ینجا بخن ز سرو روان محمد است بگونی از آن سان کزو بشوی ہر چند نیم ال آن بخٹا یش تو یارب! به کرم بر من درویش گر در کرم خویش گر ير حال من خيهٔ دل ريش گر ای غنیهٔ خوابیده! چو زگس، نگران خیز (vi) از نالهٔ مرغ چمن، از بانگ اذان خیر (v) از كرى، حنگامهٔ آتش نفسان خيز کا شانهٔ مارفت به تاراج غمان، خیز (vii) مهر ابله، مهر خرس آمد یقین کین او مهر است و مهر اوست کین سوال فبره: مندرجد ذیل می سے وئی سے یا نی جملوں کافاری می ترجمہ کیجے: (10)Translate any FIVE of the following sentences into Persian: Q.No.5. سعدیہ ہرروزمبح جلدی اُٹھتی ہے۔ Sadia wakes up early in the morning daily. (i) (ti)ر حفرت لقمان بڑے نیک آ دی تے Hazrat Luqman was a very pious man. (ii) (iii) Is your brother a government servent? Ali is studying in 12th class. (iv)

The Quaid-i-Azam was born in Karachi

Shelkh saadi was a great poet of Iran.

(vii) شیخ سعدی ایران کے نظیم شاعر تھے۔

(v)

(vi) What is your name?